

بالاحصار کابل

و

رویدادهای تاریخی

بود و سردار خان و شهباز خان افغان و سید هزارخان و نظر بهادر خویشکی و سید عالم باره و راجه روز افزون و غیره. قبل از اینکه مهابت خان حرکت کند صوبه دار کابل لشکر خان که درین فرصت در لاهور بود و در اثنای راه خبر آمدن نذر محمد خان را شنیده بود خویش را به سرعت به پشاور رسانیده و پسر خود سزاوار خان و ظفر خان را پیشتر فرستاد و خود از عقب به شتاب روانه شده از چارباغ جلال آباد و نمله و گندمک به سرعت گذشته برای اینکه زودتر بکابل واصل شده بتواند از راه انچرک که غیر متعارف بود خویش را به ۱۲۴۰ گروهی کابل به باریک آب رسانید و بدون اینکه منتظر مهابت خان سپه سالار و قوای معیتی وی شود بنیای پیش روی را بطرف کابل گذاشت. نذر محمد خان هم محاصره قلعہ را گذاشته تا بگرامی پیش آمد ولی کاری پیش برده نتوانسته روز جمعه نهم شهر محرم الحرام سنه ۱۰۳۸ عقب نشست و بدون اینکه به کابل معطل شود به سرعت تمام به چهار روز خویش را به بلخ رسانید. لشکر خان روز جمعه شانزدهم محرم ۱۰۳۸ داخل کابل شد و مطالب کلیم ماده تاریخ این پیروزی را (لشکر فتح) یافت. چون خبر این فتح سهرند به مهابت خان رسید بیشتر ادامه سفر را ضرورت ندیده و خبر فتح کابل را به شاه جهان اطلاع داد و خود به اکبر آباد برگشت. چون در ضمن سه ماه محاصره نذر محمد خان اهالی کابل مضیقه کشیده بودند شاه جهان امر داد تا مبلغ یک لک روپیه به صواب دید قاضی، زاهد قاضی کابل به ستم رسیدگان شهر تقسیم شود.

خواجه ابوالحسن

مهمندی مخاطب

به لشکر خان

صوبه دار کابل:

در سال های اخیر سلطنت جهانگیر خواجه

ابوالحسن مخاطب به لشکر خان صوبه دار

کابل بود و در موقع وفات شاه پسرش

ظفر خان به نیابت پدر کارهای صوبه داری

را در دست داشت. چنانچه حین ظهور حمله نذر محمد خان بر کابل اخیر الذکر هم در کابل نبود و در تیراه برای مقابله با جنبش احدات نام افغان رفته بود و قراریکه دیدیم لشکر خان خویش را از پشاور به کابل رسانیده نذر محمد خان

را مجبور به مراجعت بلخ ساخت و خود بالا حصار را فتح کرد و کشتود و مجدداً امور صوبه داری را در دست گرفت. چون یلنکتوش يك تن از امرای نذر محمد خان عندالمراجعه به او با اوقات خود قلعه ضحاک و بامیان را اشغال نموده بود لشکر خان صوبه دار کابل خنجر خان و شمشیر خان و عوض بيك قاشقال را برای فتح قلاع مذکور فرستاد و قلعه ها را کشتودند (۱)

کمال الدین روهيله یکی از واقعات مهم دیگر که در سال سوم و جنبش تیراه

جلوس شاه جهان در زمان تصدی لشکر خان به صوبه داری کابل واقع شد جنبش کمال الدین روهيله و اهالی تیراه است. کمال الدین ولد شیخ رکن الدین روهيله در عهد جهانگیر منصب چهار هزاری و لقب شیرخانی داشت ولی به ادامه کار در دستگاه سلطنت مغل خوش نبوده در تیراه قیام کرد و از اتک با نواحی کابل مردم را برانگیخت و عده از میلیون مانند عبدالقادر پسر احداد و کریم داد پسر جلاله عم احداد در تفرج جمع شدند و کوهسار تیراه و بنگش علیا و سفلی یکجا علیه دستگاه مغلی قیام کرد.

شمشیر خان و داود گماشتگان صوبه دار کابل لشکر خان موضوع را به اطلاع سعید خان يك تن دیگر از امرای مغلی که در کوهات بود رسانیده و در نتیجه سعی سعید خان و جمع آوری ۱۵ هزار کس از اهالی اطراف پشاور بالاخره به عقیم ساختن جنبش تیراه موفق گردیدند.

سعید خان پوشگاه علوم دینی فنون و صنایع **صوبه دار** رتال جامع ابوالحسن **کابل**
او اواخر سال سوم جلوس شاه جهان به این عهده

برقرار بود اسمی از شخص دیگری موسوم به سعید خان برده شده که بعد ها در اثر کامیابی هائی که در مسئله استرداد قندهار از حکام صفوی بعمل می آرد به لقب ظفر جنگ بهادر نایل میشود. واضح معلوم نمیشود که این شخص به کدام تاریخ به صوبه داری کابل مقرر شده است.

(۱) صفحه ۲۶۰ جلد اول یادشاه نامه صفحه ۳۲۷ جلد اول عمل صالح تصنیف محمد صالح کتیبو لاهوری تصحیح و تصحیح علام بزدانی طبع بیست و هشتمین اسبانی پنکمال

از واقعات مهمی که سعیدخان صوبه دار کابل در آن نقش عمده دارد مسئله انتقال قندهار از صفوی های ایران به کور گانی های هندی است. بعد از اینکه بابر مرکز سلطنت را از کابل به آگره و دهلی انتقال داد و کابل حیثیت مرکز فرعی بخود گرفت و اولاده او به جنگ های باهمی پرداختند، رفته رفته وضعی در کشور مابیش آمد که کابل به حیث یک صوبه هندیا صوبه داری جزء قلمرو امپرا طوری مغلی هندی اداره میشد، در صفحات شمال ازبک ها (امام قلی خان و نذر محمد خان) به قدرت رسیدند و در صفحات شمال غربی از هرات تا کرانه های هیرمند صفوی های ایران نفوذ خود را قایم کردند و قندهار دست بدست میان صفوی ها و کور گانی ها میگشت.

قبل برین در صفحات همین اثر دیدیم که چطور در حدود ۱۰۵ سال قبل از جلوس شاه جهان، شاه طماسب میخواست قندهار را تسخیر کند و خواجه کلان بیگ از طرف کامران میرزا یکی از پسران بابر از شهرمذکور دفاع کرد. شاه عباس صفوی در سال هفدهم سلطنت جهانگیر در حوالی ۱۰۳۲ هجری قمری آن شهر را بتصرف آورد و این ترتیب تقریباً ۱۵ سال دوام کرد و در ۱۰۴۷ شاه جهان مصمم شد که قندهار را از تصرف صفوی ها بیرون کند. اگرچه شاه مذکور یک سرخویش شهزاده شجاع را برای تعجیل نظریات خود باقوای زیاد بکابل فرستاد چنانچه نامبرده بتاریخ ۱۷ ربیع الاول ۱۰۴۷ بکابل رسید ولی قبل از اینکه وی وارد کابل شود سعید خان چاکم کابل به کمک عوض خان قاشقال حاکم غزنین از راه سیاست و قوه طوری زمینه را فراهم کردند که قندهار تسلیم گردید. فراموش نباید کرد که علیمردان خان معروف اصلاً بحیث حاکم از طرف شاه صفی شاه صفوی ایران بر قندهار حکومت داشت ولی میانه او با دولت صفوی رهم خورده و جانب شاه جهان گرائید و به این ترتیب قندهار از حیث تصرف صفوی ها برآمد و جزء متصرفات کور گانی ها گردید و سعید خان حاکم کابل بانقش مهمی که در بین زمینه سازی کرد به لقب بها در ظفر جنگ ملقب گردید. سپس به تعقیب قندهار، قلاع بست و زمین داور و کرشک یکی بعد دیگری از حیثه

تسلط صفوی ها کشیده شد و تمام ولایت قندهار با قلاع و نقاط مربوط جزء قلمرو شاه جهان شد (۱)

سفر اول شاه جهان به شاه جهان مانند اسلاف خود مسافرت هائی بکابل کرده است. تاجائی که از خلال کابل:

ماخذ معلوم میشود نامبرده در دوره های مختلف سلطنت خود چهار بار به کابل آمده و اینک اینجا شرح مسافرت اول او را مطالعه میکنم: سفر اول شاه جهان بطرف کابل در سال دوازدهم جلوس او در ۱۰۴۸ هجری قمری بوقوع پیوست. درین مسافرت علاوه بر سیروسیاحت و شکار و تماس با بزرگان کابل پاره نظریات سیاسی و نظامی هم دخیل بود و آن عبارت ازین بود که شاهنشاه کور گانی میخواست از نزدیکتر مسایل مربوط به بدخشان و بلخ و قندهار را مطالعه کند، زیرا در صفحات شمال نذر محمدخان والی بلخ حکم فرمائی داشت و قندهار تازه از دست حکام صفوی بیرون آورده شده بود ولی شاه صفی به فکر حمله دیگر بود. بدین مناسبت قبل از اینکه شاه جهان از اکبر آباد حرکت کند پسرش محمد دارا شکوه را با ۵۰ هزار سوار امر داد تا پیشتر به راه افتاده در حوالی نوشهره پشاور متوقف شود تا خودش فرارسد شاه جهان ۱۸ ذی حجه ۱۰۴۸ از انک گذشت. غره محرم ۱۰۴۹ به علی مسجد رسید ۹ محرم به باغ صفاء جلال آباد واصل شد و بتاریخ ۲۵ محرم سال مذکور به کابل رسید. میگویند باینکه ماه جو را شروع شده بود از اتفاقات هوای کابل طوری سرد و بارانی بود که بدون آتش و پوستین گذار نمی شد و در چنار تو برف شده بود منزل سعیدخان مال جامع علوم شاه جهان به معیت سعیدخان بهادر ظفر جنگ

(۱) در صفحه ۶۲ و ۶۱ جلد دوم پادشاه نامه اسامی قلاع مربوط قندهار چنین داده شده: قلعه قندهار - قلعه کشک نخود که میان قندهار و بست است، قلعه قلات با سه قلعه مقر، شهر صفاء - هر سه رباط - قلعه فوشنج با نه قلعه، دو کوی - چنیالی - هزیانی - سه کوه - فنج آباد - شال - مستنک - قلات - نیچاره - تل - قلعه زمین داور با چهارده قلعه، و ابستان - درفتی - موسی - بیدزیرک - شهرک - ساربان - ملبون - نوزاد - برزاد - دهله - ارغر - سیاه آب - فولاد - دلخک - قلعه تبرین با قلاع دهک - انه - ورزگان - اولنکک - درفشان - چار شنبه - نوح - تمران - کزیو - شبر - قلعه دمر اوت - قلعه بست باهت قلعه، خلیج - هزار اسپ - هزار چفت - شمالان - ملخان - صفار - الکی - غنشی - قلعه کرشک باهت قلعه، مالکبر - هیرمند آب - تیزی با با - حاجی - ننگین - دژ غوری - دژ سفید .

بهار در ظفر جنگ: صوبه دار کابل که از پشاور شاهرا امشایعت میکرد

باغ آهو خانه. وارد شهر شد. ابتدا میخواست در منزل

صوبه دار شهر که از بهترین منازل کابل بود رهاش نماید ولی چون تعبیر مذکور
بکلی تمام نشده بود مصمم شد تا در باغ آهو خانه مسکن گزیند. ملا عبدا لحمید
لاهوری در جلد دوم پادشاه نامه درین مورد می نویسد:

« بیست و پنجم محرم در گزیده ترین ساعات و بهترین اوقات نزهت آباد کابل به مهچنه
و اعلام فیروزی فروغ اگین شد و چون حکم شده بود که در منزل سعید خان بهادر
و ظفر جنگ که بهترین منازل کابل است چهره و کلاه و کلاه و عام و دولتخانه
و خاص بسازند و هنوز با تمام نرسیده بود در باغ آهو خانه که متصل باغ شهر است نزول
فرمودند » (۱)

باغ آهو خانه از باغهای بود که بابر احداث نموده بود و در ذیل آبادی های بابر در
صفحه ۵۹ همین اثر از آن اسم برده شده است. در متن فوق چنین تذکره کرده
و موقیعت آن پوره واضح نیست. در متن فوق چنین تذکره کرده
که: « باغ آهو خانه که متصل باغ شهر است گمان میکنم (باغ شهر) غلط و
(باغ شهر آرا) صحیح تر باشد. اگر این تصحیح واقعیت داشته باشد باغ آهو خانه
متصل باغ شهر آرا قرار داشت و شاه جهان در محرم ۱۰۴۹ هجری قمری در آنجا
فرود آمد. محمد صالح کنبو لاهوری در جلد دوم (عمل صالح) صفحه ۳۰۲ تا ۳۰۵
خود تحت عنوان نهضت مویکب همایون بضموب کابل شرح اولین مسافرت شاه جهان
را بکابل چنین می نویسد: « چون از آن باز که زوی سریر خلافت مصیر از جلوس
« مبارک حضرت بادشاه والا مرتبت زینت تازه یافته جاری، کار و بار سلطنت و امور
« دین و دولت بر نهج استقامت جاری گردید بلده طیبه کابل از پرتو نزول انور
« مطرح انوار سعادت و مهبط آثار یمن و برکت نشده بود لاجرم تماشای آب
« و سبزه آن دیار فیض آثار دامنگیر طبع اقدس شده خاصه جذب خواش
« و قلوب سکنه آن دیار محرك داعیه انصوب گشت و هم آگاهی بر مداخل و مخارج
« ولایت ماوراء النهر و قابوی وقت و تسخیر مملکت موروثی باعث این سفر گردید
« لاجرم شب یکشنبه نهم شوال سنه یک هزار و چهل و هشت هجری از دار السلطنه

« لاهور بسا عتی مسعود ما هچہ مہر شعاع لوای نصرت اتما بصوب کابل ارتفاع »
 « یافت و چون مکرر خبر آمدن شاه صفی دانی ایران بقندھار بسمع اشرف »
 « رسیدہ بود حکم معلی بشر ف نفاذ پیوست کہ جو ہر شمشیر بسالت گوہر »
 « درج خلافت شاہزادہ محمد دارا شکوہ با فواج بحر امواج و توپ خانہ والا »
 « پیش از تو جہ اشرف از آب نیلاب گذشتہ نا ورود مو کب معلی در نوشہرہ »
 « توقف نماید ... پانزدہم فی قعدہ سنہ یک ہزار و چہل و ہشت ہجری جشن آغاز »
 « نوروز بر کنار آب جناب ترتیب یافت مجموع مراسم عیش و انسباط بو قوع پیوست »
 « شاہزادہ محمد دارا شکوہ درین منزل از نو شہرہ بعنوان استقبال آمدہ باخان »
 « دوران و سعید خان (صو بہ دار کابل) در اچہ جی سنگہ و بہادر خان و فداتو خان و »
 « نجابت خان و راجہ جنگت سنگہ از در یافت سعادت ملازمت کہ میاب مارب »
 « گذشتند روز درین منزل مقام فرمودہ بعد از سہ کوچ از آب اتک عبور نمودہ »
 « سوادنو شہرہ را مقیم سرادق جلال کردانید درین منزل سپاہ نصرت دستگاہ را کہ »
 « پنجہزار بہ قلم آمد مشاہدہ فرمودہ فردای آن کوچ در کوچ متوجہ کابل شدند »
 « افواج لشکر محیط الواج چون باد از کوہستان گذر نمودہ درر وزی خطہ »
 « ساحت کابل از جوش جیش منصور کہ یاد از غوغای نفخ صور میداد رو کش »
 « عرصہ محشر گشت و از اہل سطوت و وصولت اولیای دولت در عرصہ بلخ بخار اشور روز نشور »
 « بظہور پیوست . اہالی و موالی کابل بل سائر رعیت و سپاہی ان مرزو بوم »
 « از فیض قدم مبارک جانی تازہ یافتہ فوج فوج باستقبال مو کب اقبال شتافتند و از پذیرہ »
 « خیل دولت ہند بر پائی انوار مع مفادات گذشتہ منظور نظر عا طفت گشتند »
مالش ہزار جات: چند صفحہ قبل از یلنگتوش نام در موقعی اسم
 بردہ شد کہ صو بہ دار سابق کابل لشکر خان قلاع ضحاک و با میان را از
 وی گرفت این یلنگتوش کہ اصلا از بک بود در سال های اخیر سلطنت جہانگیر
 در سایہ قدرت نذر محمد خان والی بلخ صاحب اقتدار شدہ در ہزار جات ہم
 نفوذی بہم رسانیدہ بود . شہ جہان در روز اول ورود خود بکابل بہ سعید خان
 صوبہ دار شہر امر داد تا برای مالش ہزار جات حرکت کنند و بہ تعقیب او بتاریخ
 ۷ صفر خان دوران را ہم بدان طرف گسیل نمود صو بہ دار کابل بعد از ایل
 ساختن ہزار جات با ۲۷ کس از سران ایشان غرہ ربیع الثانی ۱۰۴۹ بکابل
 مراجعت کرد .

باز دیدم از با بر: روز جمعه غره ماه صفر ۱۰۴۹ شاه جهان از ورقیه سلطان بیگم: مزار جد خویش سرسلسله دودمان کورگانیه یعنی بابر و مزار رقیه سلطان بیگم دیدن نمود و ۲۰ هزار روپیه که از طرف خود و ملکه نذرانه آورده بود به مسا کین تقسیم نمود.

مهاینه منزل بیشتر ذکری ازین منزل بمیان آمد و گفتیم که

سعید خان شاه جهان میخواست در ان اقامت گزیند

بهار ظفر جنگ ولی چون به اتمام نرسیده بود به باغ آهوخانه

فرود آمد بتاریخ هژدهم صفر ازین منزل دیدن کرد. برخی حصص آن تمام شده بود و برخی هنوز نا تمام بود. پادشاه نامه در صفحه ۱۵۰ جلد دوم مینگوید که:

«برخی منازل آن مطابق حکم اقدس چنانچه گذارش یافت پیشکاران بارگاه سلطنت درین وقت بانجام رسانیده بودند تشریف فرمودند، متاسفانه موقعیت این منزل درست معلوم نمیشود در که کدام حصه شهر بوده تنها پادشاه نامه یکجا متذکر میشود که منزل مذکور در مجاورت باغ آهوخانه بوده و اگر موقعیت این باغ در حوالی نزدیک باغ شهر آرا محقق گردد آنوقت میتوان گفت که منازل سعیدخان بهادر صوبه دار کابل هم در حوالی همین باغ بود.»

شکار در چنار تو: بیست و چهارم صفر بهشت نخبیر موضع چنار تو»

«که قراولان برای سرانجام لوازم قمرغه پیشتر بدان صوبه رفته بودند پرداخته، و ذات اقدس بسیاری از رنگ و مار خوار که در جمال آن نواحی بهم می رسید طعمه، و نهنگ تفنگ گردانیدند. مجموع آنچه درین قمرغه شکار شد یکصد و شصت جاندار بود، و به جمال خان قراول اسپ و بگروهی از رعایا که بجهت قمرغه فراهم آمده بودند، و پنجهزار روپیه عنایت شد.» (۱)

مجلس میلاد انبی شاه جهان چنین اقامت در کابل شب دوازدهم

صلی الله علیه و آله وسلم: ربیع الاول سال ۱۰۴۹ هجری قمری مجلس میلاد

حضرت ختمی مرتبت صلی الله علیه و آله و سلم را در کابل تشکیل نمود و مبلغ دوازده هزار روپیه مقرر این شب مبارک به ارباب استحقاق

(۱) صفحه ۱۵۴ جلد دوم پادشاه نامه

توزیع کرد . به یکی از سادات سید جلال بخاری سه هزار روپیه عنایت نمود .
ایلیچی و ارمغان قبل برین به مشاهده رسید که چطور در آغاز

نذر محمد خان والی بلخ جلوس شاه جهان ، والی بلخ نذر محمد خان
برای گرفتن کابل لشکر کشی کرد ولی ناکام مراجعت نمود . در ایامی که شاه جهان
در کابل می بود ایلیچی و ارمغانی از طرف نذر محمد خان بکابل واصل شد . ایلیچی او منصور
حاجی نام داشت . عنایت الوصول به غور بند عوض خان قاشقال به امر شاه جهان اورا تا کابل
مشایعت کرد و در حوالی شهر اصالت خان و مکرمت خان وی را به دربار رهنمونی
نمودند . ارمغان نذر محمد خان عبارت بود از : هشتاد اسپ و پنجاه شتر و دیگر اشیا
از قبیل پوست سمور و غیره که قیمت همه به چهل هزار روپیه میرسید . خود ایلیچی
هم به قیمت پانزده هزار روپیه اسپ و شتر و غیره پیشکش نمود . میرشکار نذر محمد خان
چهار دست بازطویفون از جانب خان آورده بود . از طرف شاه جهان اسپ و زین مطلا
ویست و پنج هزار روپیه به خود ایلیچی ، پنج هزار روپیه به پسرانش و چهار هزار
روپیه به میرشکار داده شد .

شکار در بیگ توت : بیست و چهارم ربیع الاول در موضع بیگ توت ،
که شمال رویه کابل است به قمرغه پرداختند و پانصد و پانزده رنک ،
شکار شد مراد کام قراول بیگی چون قمرغه نیک فراهم آورده بود بانعام خلعت ،
و اسپ سرافراز گردید و رعایائی که جهت قمرغه گرد آمده بودند بانعام پنجهزار
روپیه کام اند و بزرگ گشتند . (۱) و مطالعات فرنگی

مراجعت سعید خان غرقه ربیع الثانی سید خان صوبه دار کابل
از مالش هزارجات مراجعت کرده ۲۷ نفر
روسی هزاره را با خود آورد . پادشاه نامه
جهان آرا : می نویسد : شب هنگام پیشکاران بارگاه جلال

بفرمان خاقان گیهان در باغ جهان آرا که بسرسبزی و نزهت مانند روضه جنت
دلکشا و نشاط افزاست اسباب طرب آماده ساخته هر دو جانب نهر کلان را به افروزش
چراغان چون ساحت آسمان منور گردانیدند . خدیو جهان آرا بان مکان نزه

(۱) صفحه ۱۵۰ جلد دوم پادشاه نامه

(تشریف فرموده از شمول عاطفت سفیر نذر محمد خان را برای تما شای این جشن روح گستر طلبیدند و بعنایت خلعت سرا فراز ساختند . . (۱)

حارس قلعه کابل : روز دو شنبه ۱۴ ربیع الثانی روز جشن قمری

بخشی و واقعه نویسی وزن سال ۱۰۴۹ شاه جهان در کابل گذشت

صوبه کابل : درین روز دیندار خان را به حراست قلعه کابل

تعیین کرد و اسحق بیگ نام را بجای رای کا سیداس به شغل بخشی و واقعه نویسی کابل مقرر نمود .

مراجعت شاه جهان شاه جهان از ۱۵ محرم تا ۵ ربیع الثانی ۱۰۳۹ مدت

از کابل به لاهور : سه ماه پوره در کابل اقامت داشت درین مدت

چند روزی تلغزنی هم سفری کرده نقشه مراجعت او چنین بود که راه بنکش بالا و بنکش پایان

(یعنی از راه سمت جنوبی و تیراه) رهسپار لاهور شود . بیشتر متذکر شدیم که

مسافرت شاه جهان بکابل جنبه سیاسی و نظامی هم داشت و میخواست علیه نذر محمد خان

والی بلخ سو قیات کند و بلخ و بدخشان را بدست آورد ولی چون امام قلی برادر

نذر محمد خان باار سال نامه و ایلچی به ترمیم روابط پرداخت سو قیات بعمل نیامد . شاه جهان

قبل از حرکت از کابل سختی های راه و دشواری کتل ها را مد نظر گرفته به

به پسرش داراشکوه که با سپاه زیاد بکابل آمده بود امر داد تا چند روز دیگر

هم در شهر مانده به عقبوی حرکت کنند . صوبه دار کابل سعید خان بهادر ظفر جنگ

تأحوالی چشمه خواجه خضر شاه را همراهمی کرد . درین محل شاه جهان بوی

خلعت خاصه داده و به دستور سابق او را به صوبداری کابل گذاشت و سعید خان

تا ماه شوال ۱۰۵۰ چندین سال متواتر حاکم و صوبه دار کابل بود .

علی مردان خان در میان صوبه داران کابل آنکه بیشتر

صوبه دار کابل نزد عوام شهرت دارد و از نظر آبادی و عمران

انار و یاد کارهای بیشتری از در شهر باقی مانده امیر الامرا علی مردان خان است .

اصلا این مرد در زمان سلطنت شاه صفی از طرف شاه صفوی ایران حکمران قندهار

تعیین شده بود ولی در سال ۱۰۴۷ هجری قمری میانه او و شاه ایران برهم خورده

(۱) صفحه ۱۵۵ جلد دوم یاد شاه نامه

از صفوی ها رو گردانید و به کورگانی های یوست و قندهار را به سعیدخان صوبه دار کابل که برای کشودن قندهار عازم انصوب شده بود تسلیم داد و خود از راه کابل به دربار شاه جهان باریافت . علی مردان خان باین تمایل به دربار شاه جهان قرب و منزلت فوق العاده کسب کرد و به لقب امیرالامرائی نایل شد و به کرات و مرآت بعدی که تصور نمیتوان کرد بخشش و خلعت گرفت . چندی به صوبه داری کشمیر نایل شد تا اینکه در شوال ۱۰۵۰ درینجا همین سال عمر شاه جهان عوض سعیدخان بهادر صوبه دار کابل گردید و تا مقارن سال ۱۰۶۲ هجری قمری به صوبه داری کابل باقی ماند . در سفر دوم و سوم شاه جهان بکابل در لشکر کشی ها و سواقیات پسرانش مراد بخش و اورنگ زیب علیه نذر محمد خان در صفحات شمال سهم با رز داشت در آبادی و عمران شهر کابل بسیار کوشید . میگویند چهار چته کابل از آبادی های او بود باغ علیمردان تا حال به نام او شهرت دارد و منازل مجلل و باشکوهی در آنجا ساخته بود که باری در سفر دوم خود به کابل شاه جهان چند روزی در آنجا اقامت نمود . علی مردان خان در سنه ۱۰۵۴ هجری پللی بر سر خاب مشرقی هم تعبیر نمود و بر لوحه سنگی نزد يك پل مذکور کتیبه می نصب کرد که متن آن ازین قرار میباشد :

در زمان ثانی صاحب قران شاه جهان باز شاهی داد گستر ظل و هاب و حید
 خان عالی شان علیمردان شد از بهر خدا بانی این پل بفال فرخ و بخت سفید
 سال تاریخش چو چشتم از خرد داد این جوابت بانی این پل علیمردان شد از لطف حمید
 علیمردان خان در سال ۱۰۶۷ هجری در سال ۳۱ جلوس شاه جهان در اثر مرضی
 که عاید حالش شده بود و به عنوان استراحت روانه کشمیر بود در منزل (ماجھی داره)
 وفات نموده نعش او را به لاهور برده در جنب مرقد والده اش دفن نمودند .

قراریکه در صفحات پیشتر متذکر شدیم
 در موقعی که شاه جهان بر تخت سلطنت هند
 نشست نذر محمد خان بحیث والی در بلخ
 اسنقرار داشت و فوری بر سر کابل تاخت تا شاید
 بر نفوذ کورگانی ها خاتمه داده و خود
 کابل مرکز تجمع
 و لشکر کشی ها
 علیه نذر محمد خان
 والی بلخ و بدخشان:
 علیمردان خان و ارسال

سپاه از کابل علیه
علی طغان :

اسحق بیگ بخشی
صوبه دار کابل :

هزاره سگ پا :
خلیل بیگ تها نه

دار غور بند :

وفات دیندار خان
حارس قلعه کابل :

اسدالله خان

قلعه دار جدید :

بر شهر تسلط یابد در نتیجه تو فیقی حاصل نتوانست
و بر بلخ مراجعت کرد. و در موقع مسافرت اول
شاه جهان بکابل ایچی و ارمنان زیاده بکابل
فرستاد. سپس در اثر کور شدن برادرش
امام قلی و تصرف قلمرو او در ماحول بخارا
قدرت نذر محمد خان وسعت یافت. این قدرت
طبیعی، کورگانی های هندو صوبه داران ایشان
را در کابل بیقرار میداشت. علاوه برین موضوع
بلخ و بدخشان موضوعی بود که شاهنشاهان مغلی
هنده منجمله شاه جهان همیشه بفکر تصرف آن
بودند. خلاصه از زمانیکه علیمردان خان صوبه

دار کابل شد پیوسته راجع به لشکر کشی طرف بلخ و بدخشان بوی هدایت
داده میشد و حتی سفر دو شاه جهان بکابل که از آن بعد تر ذکر خواهیم کرد
بیشتر بر سر همین موضوع بمیان آمد.

لشکر کشی های علیمردان خان بطرف شمال بامستله علی طغان آغاز میشود
و آن چنین است که نذر محمد خان کهمرد و مضافات آنرا از تیول یلنگتوش
کشیده به سبحان قلی پسر خود داد و نردی علی طغان اتالیق او را به ضبط آن
معین نمود. این علی طغان از کهمرد بفکر تجاوز به برخی نقاط هزارجات نزدیک
کابل و قندهار افتاده هزار های سگ پامقیم کنار رود هیرمند را تاراج نمود. علیمردان
خان فوری خلیل بیگ تها نه دار غور بند سگ اسحق بیگ بخشی صوبه دار کابل
و علی بیگ و جمعی دیگر را علیه او فرستاده و طغان را شکست دادند و جمعی
از خویشان او را که ۱۰ کس میشد علیمردان خان در ۲۲ ذی قعدة ۱۰۵۴ به
در بار شاه جهان برد و ایشان را در قلعه گوا لیا محبوس کردند.

شاه جهان موضع تصرف بدخشان و بلخ را همیشه مد نظر داشت. قبل از اینکه علی مردان
را از اکبر آباد بطرف کابل مرخص کند راجع به نقشه های خود بوی هدایات

داد و برای عملی ساختن نظریات خود قبل از اینکه خودش بطرف کابل حرکت کند
 عده از امرار را بعنوان کمک بطرف کابل فرستاده رفت از آن جمله است مراد قلی
 ولد اکبر قلی، اصالت خان میر بخشی و غیره. ضمناً چون دیندار خان حارس قلعه کابل
 در شعبان ۱۰۵۵ وفات میکنند بجایش برادرش اسداله خان به قلعه داری قلعه کابل
 نامزد میگردد. ناگفته نماند که علیمردان خان به کمک کسانی که تازه فرستاده شده
 بود به لشکر لشی های علیه نذر محمد خان اقدام میکنند ولی به نتیجه نمیرسد تا اینکه
 در ۱۰۵۵ خود شاه جهان و پسرش مراد بخش با ۵۰ هزار سوار عازم کابل میشوند
سفر دوم شاه جهان طوری که گفتیم مقصد اصلی سفر دوم شاه جهان
به کابل: بدابل موضوع لشکر کشی بطرف

بدخشان و بلخ و کوتاه ساختن دست نذر محمد خان از آن نقاط بود. چون جنگ های
 صعبی پیش رو داشت پسرش مراد بخش را با پنجاه هزار سوار مامور ساخت تا بیشتر
 بطرف پشاور حرکت کند و در حدود صد نفر از امرار و منصبه داران بزرگ
 خویش را با این سپاه اعزام کرد و گمان میکنم در تمام دوره سلطنت کورگانی
 از عصر بابر گرفته تا زمان شاه جهان این اولین باری بود که چنین سپاه بزرگ
 رهسپار کابل گردید. تنها اسامی امرار و منصبه داران سه صفحه کامل یاد شاه نامه را
 اشغال کرده است (۱) قسمتی از این سپاه ماموریت داشت به معیت مراد بخش از راه پشاور
 و قسمت دیگر از راه بشکاش بالا و یابان (سمت جنوبی) بطرف کابل حرکت
 کند و هر دو قسمت در کابل یکجا میشوند. نقشه شاه جهان چنین بود که در موقعی که
 هوای کوهساران کابل مساعد شود اول متوجه قلعه کهمرد و غوری شود و بعد از
 راه قندوز اول به فتح بدخشان و بعد به فتح بلخ اقدام بعمل آید و بدین طریق دست
 نذر محمد خان را ازین نقاط بکلی کوتاه سازد. خود شاه جهان روز پنجشنبه ۱۸ ماه
 صفر ۱۰۵۶ از لاهور به قصد کابل برآمد. قبل از و پسرش مراد بخش بتاریخ نهم
 ربیع الثانی به شهر رسیده و سپاه بزرگ پنجاه هزار نفری خود را خارج از شهر
 در حوالی پای منار متمرکز ساخت.

(۱) ۹ صفحه های ۲۸۳ - ۲۸۴ - ۲۸۵ - ۲۸۶ ضمیمه جلد دوم مراجعه شود